



۴۹) این شماره تقدیم میشود به  
**شهید مهران**  
**خسروانی قطب آبادی**

که در حمله موشکی آمریکایی  
صهیونی به دادگستری شهرستان  
لارستان استان فارس در  
۲۷ اسفند ۱۴۰۴ به شهادت رسید.

ویژه دفاع مقدس  
**مردم ایران**  
در برابر آمریکا و رژیم صهیونی



# صدرا

روزنامه اینترنتی  
**KHAMENEI.IR**  
یکشنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۵

رسانه رهبر انقلاب  
@Rahbarenghelab

سلاح الله اکبر بود که رشته های اتصال ائتلاف اسلامی و جوانان  
مجاهد جبهه مقاومت را از ایران تا لبنان و فلسطین و عراق  
و سوریه، از آفریقا و یمن تا افغانستان و پاکستان و همه  
ملت های آزاده ی جهان مستحکم کرد تا این خبل متین نفس  
رژیم متزلزل صهیونیستی را به شماره بیندازد. ۱۴۰۵، ۳۰، ۵

تشدید توحش صهیونیست ها، نخست وزیر لبنان را هم به اعتراف و داشت

# گلوله؛ تنها زبانی که اسرائیل می فهمد



سرمقاله

گزارش های میدانی از لبنان نشان می دهد رژیم صهیونیستی دامنه حملات خود را در جنوب لبنان به شکل محسوسی گسترش داده و تشدید کرده است. حملاتی که تنها به نقاط مرزی محدود نمی شود، بلکه تا عمق مناطق جنوبی و حتی مسیرهای راهبردی نزدیک به رود زهرانی نیز امتداد یافته است. ارتش رژیم صهیونی اخیراً نیز برای ساکنان منطقه زهرانی هشدار تخلیه صادر کرده است.

در همین چارچوب، آنچه در میدان نبرد دیده می شود نشان دهنده تلاش صهیونیست ها برای اشغال جنوب لبنان است. حملات هوایی گسترده، تخریب زیرساخت ها و فشار بر مناطق مسکونی برای تخلیه نیز به همین دلیل است.

در مقابل این حملات گسترده، حزب الله لبنان نیز نه تنها پاسخ نکشیده، بلکه با تغییر تاکتیک ها و استفاده از ابزارهای جدید، سطحی تازه از مقاومت را به نمایش گذاشته است. یکی از مهم ترین تحولات اخیر، استفاده گسترده تر از پهپادهای انتحاری FPV

در عملیات های میدانی است، ابزاری که به دلیل دقت بالا و هزینه پایین، به یکی از مؤثرترین ابزارهای جنگ نامتقارن مقاومت اسلامی لبنان تبدیل شده است. این پهپادها در چندین عملیات موفق شده اند مواضع ارتش اسرائیل در شمال فلسطین اشغالی و خطوط پیشروی در جنوب لبنان را هدف قرار دهند و معادله تهدید را از حالت یک طرفه خارج کنند. در واقع، حزب الله با این تغییر تاکتیکی تلاش کرده فاصله فناوری و برتری هوایی اسرائیل را در سطحی مشخص تعدیل کند. مقاومت لبنان همچنین با حفظ قدرت موشکی و پهپادی خود، حملات متعددی به سرزمین های اشغالی انجام داده است. در همین حال، مواضع رهبری حزب الله نیز در روزهای اخیر با صراحت بیشتری همراه بوده است. شیخ نعیم قاسم دبیرکل حزب الله در اظهارات اخیر خود به طور روشن تأکید کرده که بحث خلع سلاح مقاومت در شرایط کنونی نه تنها قابل پذیرش نیست، بلکه عملاً به عنوان عبور از خطوط قرمز راهبردی تلقی می شود. او با هشدار نسبت به فشارهای داخلی و

خارجی برای تضعیف توان نظامی مقاومت، تصریح کرده که تازمانی که تجاوز و تهدید نظامی ادامه دارد، سلاح مقاومت نیز بخشی از معادله بازاری زندگی باقی خواهد ماند. این موضع در واقع پاسخی مستقیم به جریان هایی در داخل لبنان است که تصور می کنند می توانند با خلع سلاح مقاومت، رضایت صهیونیست ها را جلب کنند.

شیخ نعیم قاسم در جریان سخنرانی اش به مناسبت عید سعید قربان تأکید کرد: «خلع سلاح، سلب توانایی های دفاعی لبنان و هموار کردن راه برای نابودی آن است و این برای ما غیر قابل قبول است. آنها به ما می گویند که به آنها در خلع سلاح خود کمک کنیم تا اسرائیل بتواند وارد شود، ما را بکشد و مردم ما را آواره کند.»

در چنین شرایطی اظهارات اخیر نخست وزیر لبنان نیز قابل توجه بوده است. نواف سلام نخست وزیر غربگرای لبنان که فاصله آشکاری با مقاومت لبنان دارد، در موضعی کم سابقه اعتراف کرده که «اسرائیل دیگر صرفاً اهداف محدود نظامی را دنبال نمی کند،

بلکه سیاستی مبتنی بر ویرانگری گسترده و حتی جابه جایی اجباری جمعیت را در پیش گرفته است.» او عملاً به این واقعیت اشاره داشته که مذاکره و ابزارهای دیپلماتیک در برابر چنین سطحی از خشونت و وحشی گری صهیونیست ها، کارایی ندارند و قرار هم نیست به نتیجه برسند.

این یعنی، حتی جریان های سیاسی نزدیک به غرب در لبنان نیز به تدریج با واقعیت جدیدی روبرو شده اند؛ اینکه اتکا به مذاکرات بدون تغییر در وضعیت میدانی، نمی تواند به توقف جنگ منجر شود. به بیان دیگر، رژیم صهیونی فقط زبان اسلحه را می فهمد.

در همین حال جمهوری اسلامی ایران از زمان برقراری آتش بس با آمریکا، بارها تأکید کرده که توقف کامل تجاوزات اسرائیل به لبنان باید یکی از شروط اساسی هرگونه توافق یا چارچوب امنیتی آینده در منطقه باشد. از این منظر، ادامه حملات به جنوب لبنان نه یک مسئله حاشیه ای، بلکه بخشی از خطوط قرمز ایران در هر توافقی است. ■

سلام آقا جان. منی که اسلام را نه فقط احکام و اخلاق، که آنها را هم می دانستم، اما فراتر از آن به «دین (اسلام) به مثابه برنامه و عقلانیت زندگی» می نگریستم. به مدد راهنمایی شما و امام کبیرمان، دستانم به دستان شهید مطهری رسید تا



فرصت فهمیدن اسلام را پیدا کنم و شما را جلوه مجسم مدیریت و تدبیر دینی یافته و چه حیف که بخواهیم کنشگری شما، امام و شهدا را در چارچوب سیاست و مدیریت کلاسیک رایج؛ تبیین، تعریف و گزاره بندی کنیم.

## کودکان میناب زنده بودند اگر ...

مصونیت قدرت های بزرگ از مجازات، راه را برای تکرار بحران ها و جنگ های جدید باز می کند. یک نشریه آمریکایی (Current Affairs) در گزارشی انتقادی، میان مصونیت رهبران آمریکا از مجازات و تداوم جنگ ها و کشتارهای بعدی ارتباط برقرار کرده است. نویسنده با اشاره به حمله به مدرسه میناب و به شهادت رسیدن دانش آموزان، استدلال می کند که اگر پس از جنگ عراق، جورج بوش و دیگر مسئولان آن جنگ به خاطر جنایات خود در برابر عدالت بین المللی پاسخگو می شدند، شاید امروز شاهد تکرار چنین فجایعی نبودیم. این گزارش همچنین خواستار پیگرد مقام های دولت ترامپ به دلیل نقش آفرینی در جنایات علیه ایران شده و تأکید می کند که حقوق بین الملل تنها در صورتی اعتبار خواهد داشت که برای همه کشورها و همه رهبران به یک شکل اجرا شود. یکی از مهم ترین چالش های نظام بین الملل، اجرای گزینشی عدالت است. هنگامی که قدرت های بزرگ خود را فراتر از قواعد و نهادهای بین المللی می بینند، بازدارندگی حقوقی تضعیف می شود و زمینه برای تکرار بحران ها و جنگ های جدید فراهم می آید. تجربه دوده دهه اخیر نشان داده است که فقدان پاسخگویی در قبال جنایات جنگی می تواند چرخه ای از بی ثباتی، ناامنی و تکرار تراژدی های انسانی را در نقاط مختلف جهان رقم بزند.

## نقشه ای از امید با اثر انگشت دختران ایران

می گذارم و یک اثر ماندگار سرخ روی نقشه ی وطن از خودم به جای می گذارم. اثر انگشتی که انگار تنها متعلق به من نیست. تمام دختران کشور دوستی که تا حالا دیده ام در این اثر انگشت با من مشترکند. تمام دخترانی که داوود دعایشان را مستجان و همه را از گرداب غم نجات داده است.



روایت کشور دوست

می روم سمت غرفه ی دختران کشور دوست. فعالیت های زیادی دارند. چند دختر جوان و نوجوان کم سن و سال که صورت های خندان و پیرانتر می دارند. غرفه را با اقتدار اداره می کنند و لحظه ای دست از کار بر نمی دارند. شیفی می آیند رواق کشور دوست و هفته ای چند بار نوبت شان می شود. از بسیج مسجد محله های مختلف تهران می آیند سر پست هایشان. یک شب کار تبیین می کنند، یک شب کارهای خدمت رسانی و امشب توی غرفه آیه های قرآن ایستاده اند. کلی برگه ی رنگی گذاشته اند که پیدا نیست توی آن ها چه چیزی نوشته شده. سلام می کنند و از من می پرسد: «الان چه حسی دارید شما؟» به انواع حس هایی که روی برگه نوشته شده نگاه می کنم. نمی خواهم از ناامیدی ناراحتی و غمگینی گزینه ای انتخاب کنم. برای همین می گویم: «خوشحالم.» یک برگه از بخش صورتی ها برمی دارم و میاز می کنم. نوشته است: «فَأَسْتَجِيبُ لَهُمْ وَنَجِيئًا مِنَ الْعَذَابِ وَكَذَلِكَ نُفِي الْمُؤْمِنِينَ.» برگه را می بوسم و تشکر می کنم. بیست سالی از من جوان ترند، اما به من روحیه می دهند و تشویقم می کنند. دختران دهه هشتادی و دهه نودی که حالا میدان را دست گرفته اند و حساب هرکار موثر تبیینی را هم می کنند. بهم یک نشانگر کتاب هدیه می دهند که عکس آقا سید مجتبی روی آن است. برای آخرین کار من را می برند سمت دیوار. یک نقشه ایران روی دیوار کشیده اند و یک استمپ قرمز گذاشته اند و نوشته روی دیوار را می خوانند: «کلید حل مشکلات در دست زنان دست.» با همین چند دقیقه ای که کنارشان بوده ام پر از شور زندگی شده ام. انگشتم را